

نوشته: ه. امیر احمدی
م. ر. رضوی
ترجمه: سید محمود نجاتی حسینی

توسعه شهری در رویارویی با نوگرایی و الزامات برنامه‌ریزی

تأکید اصلی این نوشتار بر «بررسی برنامه‌ریزی و توسعه شهری مدرن در جهان اسلام» است و لذا سه موضوع مرتبط مورد توجه قرار گرفته است:

- جوامع اسلامی، نوگرایی و شهرها
- شهر اسلامی، جامعه مدنی و بیوند با مدینه
- سمت و سوی آینده برنامه‌ریزی شهری در جهان اسلام در این نوشتار بر سه نکته کلیدی تمرکز شده است:
- دگرگونی‌های مدرن مرحله متمایزی از تجدید ساختار شهری در جهان اسلام است.
- دخالت دولت و برنامه‌ریزی اهمیت فرازینده‌ای در ایجاد و بازسازی محیط‌زیست شهری داشته است.
- جنبه‌های حقوقی، فرهنگی، سیاسی اسلام به شکل‌گیری محیط‌زیست منطقه‌ای کمک کرده است.

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی زندگی شهری در جهان اسلام اختصاص یافته، برای ما به سختی قابل شناسایی است. تأکید این نوشتار بر « برنامه‌ریزی و توسعه شهری مدرن » (Modern Urban Development and Planning) درجهان اسلام است. چنین تأکیدی متضمن سه نکته است: ۱) دکرگونی‌های مدرن مرحله متمایزی از تجدید ساختار شهری درجهان اسلام است. مشخصه برجسته این مرحله وجود گسیختگی در زندگی شهری - درکل - و ایجاد محیط شهری - به طور خاص - است؛ ۲) دخالت دولت و برنامه‌ریزی اهمیت فرازنده‌ای در ایجاد و بازسازی محیط‌زیست شهری داشته است و ۳) بخشی بودن جهان اسلام به این معناست که تأثیر جنبه‌های حقوقی، فرهنگی، سیاسی اسلام به شکل گیری محیط‌زیست منطقه‌ای کمک کرده است.

مؤلفان امیدوارند بررسی موضوع « توسعه شهری در جهان اسلام » به شناخت بهتر سه مؤلفه بالا و بررسی کنش مقابله میان آنها کمک کند. در این نوشتار ما از مطالعاتی که درباره تجدید ساختار شهری (Urban Restructuring)، توسعه اقتصادی، حفاظات تاریخی، زمینه تاریخی و اجتماعی و اقدامات برنامه‌ریزی در تعدادی از شهرهای جهان اسلام است سود بردہ‌ایم. برای بررسی عوامل مؤثر بر توسعه شهری درجهان اسلام در حد امکان و نیاز به سه موضوع توجه کردہ‌ایم. این‌ها عبارتند از:

- ۱- « جوامع اسلامی، نوگرایی و شهرها »
- ۲- « شهر اسلامی، جامعه مدنی و پیوند با قلب مدینه »
- ۳- « سمت و سوی آینده برنامه‌ریزی شهری در جهان اسلام »

جوامع اسلامی، نوگرایی و شهرها

جوامعی که فرهنگ و تمدن اسلامی را شکوفا کرده‌اند پرورنده‌ترین و پر جمیعت‌ترین مرکز شهری

سیرووسفر در سرتاسر جهان اسلام هرچند کمکی به شناخت این سرزمنی‌ها نمی‌کند اما قوه انتکار و نبوغ « معماران » (mimars) مسلمان سده‌های پیشین موجب حریت می‌گردد. این افراد حرفه‌ای و متخصص به بینش جدیدی نائل شدند و راه حل‌های منحصر به فردی نیز برای مسائل مربوط به هماهنگی دیداری، تنوعات اقلیمی، سطح فن‌آوری و کمپانی مواد خام ارائه دادند. طرح‌ها و راه حل‌های معماران مسلمان در بطن فرهنگ‌های محلی و ارزش‌های جهان شمول اسلامی تبلور و تجسم یافته بود.

در کنار روایه‌ای تاریخی گذشته جهان اسلام، در این سرزمنی‌ها می‌توان تأثیرات فراگیر عصر جدید و مدرن را نیز مشاهده نمود: نمادهای تشكیک‌ناپذیر معماری « بن‌الملکی »، سیستم‌های جدید حمل و نقل شهری، حلی‌آبادها و حصیرآبادها (Shantytowns) و زورآبادها (Squatter Settlement)، مجتمعه‌های صنعتی، بازارهای غیررسمی (Informal Markets) و شهرهای اقماری. این گونه گسیختگی‌ها که در داخل و هم‌چنین میان تصورات مدرن و پیش مدرن وجود دارد به وضوح نشان از بحران عمیقی می‌دهد که در عصر حاضر دست به گریبان بسیاری از جوامع اسلامی است. عامل مهمی که به تقویت این بحران کمک کرده است ناتوانی برنامه‌ریزان این جوامع درجهت هماهنگ کردن نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کالبدی نوگرایی (Modernity) با ساختارهای محلی جهان اسلام است. علاوه بر این برنامه‌ریزان جوامع اسلامی از ایجاد ارتباط بین‌الملل و خلاقی میان « بینش‌های نوگرایانه و سنتی از شهر » (Modernist and Traditionalist Vision of City) غفلت کرده‌اند.

با وجود مطالعات دانش‌پژوهانه متعددی که درباره شهرنشینی درجهان اسلام صورت گرفته، بسیاری از جنبه‌های فرایند چندبعدی شهرنشینی صرفاً به صورت سطحی و ظاهری درک شده است. جغرافی دانان و تاریخ دانان تا حد بسیار زیاد به شناخت - نه چندان کامل - این حوزه از مطالعات کمک کرده‌اند (بونین، ۱۹۷۶؛ کاستلو، ۱۹۷۷؛ لا پیدوس، ۱۹۶۹؛ سرژانت، ۱۹۸۰). در دهه‌های گذشته جامعه‌شناسان ساخت و درک ما را از شهرنشینی و پویایی شهری درجهان اسلام توسعه داده و پیشرفته‌تر کرده‌اند (ابولقد، ۱۹۷۱؛ زیدا، ۱۹۸۹). در این بین، تعدادی از مطالعات محلی (Locale Studies) بر جسته نیز، که به بررسی جنبه‌های اقتصادی،

و مقدم تجربه نوگرایی یعنی سرمایه‌داری، صنعتی شدن، عقلانیت دیوان سالارانه و نظامی‌گری نگاهی بکنیم (گیننز، ۱۹۹۰). هرکدام از این نهادها به طور مجزا بر صورت بندی کالبدی و فضایی شهرهای جهان اسلام (Cities in The Muslim World) تأثیر گذاشته‌اند.

سیستم سرمایه‌داری را می‌توان ابزاری دانست برای پیونددادن شهرها و مناطق جهان اسلام به سیستم بازارجهانی. سرمایه‌داری موجب ظهور و شکل‌گیری شهرهای جدیدی شد که کارکرد آنها متفاوت از کارکرد شهرهای قدیمی بود؛ بدین ترتیب در شهرهای جدید بهره‌برداری از مواد خام و تولید کالاهای موردنیاز تدریجاً آغاز شد. درباره تهران، «ه. امیراحمدی» و «کیافر» تحولات ناشی از سرمایه‌داری را نشان داده‌اند. وجود شبکه‌های حمل و نقل درون شهری و بین شهری (Interurban and Intraurban Transportation Networks) موجب تسهیل رفت و آمد جمعیت، فراهم‌آوری و تولید و توزیع کالاهای خدمات گردید. این

(Populous and Prosperous Urban Centers) عصر مدرن را ایجاد کرده‌اند. در اوخر دوره قرون وسطی در جهان اسلام شبکه‌ای از ارتباطات فرهنگی میان شهرهای جهان اسلام از قبیل قاهره، دمشق، استانبول، اصفهان و دهلی وجود داشت. با وجود تفاوت چشمگیر میان این شهرها و نیز اهمیت گذشته تاریخی و سنت‌های محلی آنها می‌توان همانند «زلابولقد» اظهار نمود که این شهرهای کهن نهادها و ساختارهای اجتماعی مشابهی داشته‌اند. شهرهای جهان اسلام برپایه اقتدار سلطنتی موروثی؛ روابط دینی، هم کیشی، قومی، نژادی؛ تجارت کاروانی؛ سازمان‌های اجتماعی و حرفه‌ای؛ و جایی گزینی جنسیتی شدید قرار داشت (زیبد، ۱۹۸۹). نیروها و عوامل اجتماعی که این نهادها را شکل می‌دادند و تولید می‌کردند؛ هم‌چنین مجموعه‌های کالبدی خاصی را که از ظاهرات نمادین فرهنگی ویژه‌ای برخوردار بودند، شکل داده بودند که منبعی برای اگاهی از تجربه آن اجتماع از شهریت (Community's Experience of Urbanity) است. در میان صورت‌بندیهای کالبدی عینی می‌توان به مجموعه دربار، مجموعه مدرسه - مسجد، واحدهای همسایگی مستقل، بازار سنتی، فضاهای نیمه‌خصوصی و سکونتگاه‌های درهم پیچیده اشاره کرد.

با وجود تماس‌های بازارگانی، سیاسی، نظامی فرایند میان جهان اسلام و ملت‌های اروپایی، خطوط اصلی جامعه شهری در میان ملت‌های اسلامی تا زمان گردش قرن دگرگونی‌های ناچیزی داشت. بدین ترتیب، شهرهای کهن جهان اسلام نظیر قاهره، استانبول و دهلی دگرگونی‌های عمدتی تا اوخر قرن نوزدهم میلادی نداشتند؛ بسیاری از شهرهای دیگر جهان اسلام نیز تنها در اوایل یا نیمه قرن بیستم میلادی دچار دگرگونی‌های محسوس شدند. هر چند باید خاطرنشان کرد که رویارویی با نهادهای نوگرایی موجب دگرگونی‌های عمدتی در این شهرها گردید.

فرایند «ساخت‌زادی مؤثر» که در تماس با نهادهای نوگرایی بود موجب بروزناهمانگی و گسیختگی در جوامع اسلامی شد و نوعی شوک فرهنگی - تمدنی در میان تعدادی از گروههای اجتماعی ایجاد نمود. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد، سرعت و گستره چنین دگرگونی‌هایی بود که ماهیت آن از دگرگونی‌های اوایل این دوره متفاوت است. یک نمونه بر جسمه از این دگرگونی‌ها رشد فراینده جمعیت در مراکز شهری (Population Growth in Urban Centers) جهان اسلام است. بدین قرار، تهران که دارای نیم میلیون نفر جمعیت در نیمه دهه ۱۹۳۰ میلادی بود در ۱۹۸۸ میلادی تبدیل به کلان شهری با هشت میلیون جمعیت شد؛ یعنی جمعیت بین سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۸۸ تقریباً بیست برابر گردید.

برای وارسی گسیختگی و ناپیوستگی موجود در شهرهای اسلامی (Islamic Cities) ضروری است که به نهادهای مؤسس

برای وارسی گسیختگی و ناپیوستگی موجود در شهرهای اسلامی ضروری است که به نهادهای مؤسس شدن، عقلانیت دیوان سالارانه و نظامی‌گری نگاهی بکنیم. هرکدام از این نهادها به طور مجزا بر صورت بندی کالبدی و فضایی شهرهای جهان اسلام تأثیر گذاشته‌اند.

فرایند توسط «ار.ال. لاولس» و «ای.جی.سی.کومب» توضیح داده شده است. به گفته این دو تن، ظهور نفت به عنوان کالایی جدید در بازارهای جهانی در اوایل سال‌های قرن بیستم میلادی، ابزاری بود برای توسعه آینده شهرهای خلیج فارس. شکل‌گیری شهرهای صنعتی و کارخانه‌ای (Company Towns)، بنادر، پالایشگاه‌ها و خطوط راه‌آهن نقش مهمی در تجدید ساختار سیستم شهری (Urban System) در ایران، عربستان سعودی، و دولت‌های منطقه خلیج فارس داشت.

افزایش بهای نفت در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی نیز عامل مهمی برای توسعه بازارهای کار شهری و منطقه‌ای (Development of Urban - Reinal Labour Markets) بود. رشد فراینده و سریع ایجاد صنعت، که موجب توسعه بازارهای کار بین‌المللی بخشی شد، تأثیر عمدتی بر فرایندهای مهاجرت‌های بین‌المللی و روشایی گذاشت و در نتیجه باعث توسعه شهری گردید. پویایی این فرایند توسط «گونترمنی‌پر»

نشان داده شده است. «می‌یر» مشخصه‌های ایجاد بنگاه‌های اقتصادی و شکل‌گیری بازارهای کار را در شهرهای قاهره (مصر) و صنعا (یمن) بررسی کرده و ارتباط میان بازار کار مهاجرت، مهاجرت‌های بین‌المللی و توسعه اقتصادی را توصیف نموده است. به نظر «می‌یر» شکل‌گیری بخش‌های اقتصادی مختلف در شهر صنعا موجب جذب مهاجران شده است؛ حال آن‌که در شهر قاهره این امر منجر به کاهش مهاجرت‌های داخلی شده است. «می‌یر» هم‌چنین توضیح می‌دهد که چگونه نقش پیوندهای دینی و مذهبی در ایجاد بازارهای کار بخشی دخالت داشته است. «می‌یر» خاطرشناس می‌سازد که چگونه و چرا اقليت‌های دینی شافعی (Shafii) و اسماعيلي (Ismailis) قادر به دسترسی به مشاغل مهارتی با دستمزدهای بهتر شده‌اند؛ درحالی که بیروان فرقه شیعی زیدیه (Zaydia) - که بخش عظیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند - فقط توانسته‌اند در مشاغل رده پایین با دستمزدهای ناچیز جذب شوند. از جمله دلایلی که «می‌یر» به آنها اشاره می‌کند کسب

شهرها اینک با مشکلاتی نظیر رشد فزاینده جمعیت، میزان پایین اشتغال، گسیختگی کالبدی - کارکردی محیط‌زیست شهری، کمبود مسکن و مسائل زیست محیطی روپروریند به طوری که برنامه‌ریزان شهری ناتوان از صورت بندی و تدوین رویکردی جامع از این مسائل هستند

مهارت‌های شغلی به واسطه مهاجرت‌های بین‌المللی، بهره‌وری از فرصت‌های آموزشی و سنت‌های فرهنگی متناسب با مهارت‌آموزی است.

تأثیر صنعتی شدن بر توسعه شهری درجهان اسلام قابل بحث است. این تأثیر را می‌شود با تفکیک دو نیروی محرکه صنعتی شدن وارسی نمود؛ اولین نیروی محرکه صنعتی شدن مربوط به سال‌های دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ میلادی است و دومین آن به سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد. اولین نیروی محرکه صنعتی شدن موجب تحرك نیروهایی شد که به ظهور نخست شهرهایی (Primate Cities) مانند قاهره، استانبول و تهران انجامید. دومین نیروی محرکه صنعتی شدن، که در حقیقت تداوم نیروی محرکه اول تلقی می‌شود، موجب پیدایش شهرهای جدید صنعتی (Industrial New Towns) روایت جیل و بنیو در عربستان سعودی و البرز در ایران شد.

روایت کامل تأثیر و نفوذ مستقیم صنعتی شدن بر شهرهای

جهان اسلام هنوز هم قابل بحث و بررسی است. با وجود این از یک نکته نمی‌توان فروگذار کرد و آن چگونگی میزان پایین اشتغال صنعتی و رشد سریع اشتغال در بخش خدمات و بخش غیررسمی اقتصاد است. «وی.اف. کاستلو»، «صلاح الشخص» و «ه. امیراحمدی» تعدادی از روندهای اشتغال صنعتی در شهرهای جهان اسلام را بررسی نموده‌اند. بویژه، «کاستلو» دگرگونی ساختار شغلی را در تهران و «الشخص» و «امیراحمدی» مشخصه‌های بخش خصوصی و غیررسمی را در زندگی شهری خاورمیانه، مطالعه کرده‌اند.

عامل دیگری که بر توسعه شهری جهان اسلام تأثیر گذاشته، عقلانیت دیوان‌سالارانه است. عقلانیت دیوان‌سالارانه یکی دیگر از نهادهای نوگرایی است که با تأثیرگذاری بر توسعه شهری در جهان اسلام موجب ظهور دولت‌های ملی (Nation-States) مدرن در این منطقه شده است. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی (Ottoman Empire) و سپری شدن دوران استعمارگری، دولت‌های ملی مدرن در شبے قاره هند، خاورمیانه و شمال آفریقا شکل گرفتند. یکی از مهم‌ترین اهداف این دولت‌های مدرن تعریف مجدد تعهدات سنتی فرهنگی ملت‌هایشان بود که معمولاً با تغییر تعهدات قبیله‌ای و سنتی و بدوفی به تعهدات ملیت‌پرستی (Nationalism) همراه بود. از جمله سیاست‌های تدبیری دولت‌های مدرن سرکوب کردن قبایل و عشایر، کنترل بر صنفها و اتحادیه‌ها و نظارت بر امور عمومی شهری (Urban Public Affairs) از طریق توسعه ادارات شهرداری (Municipal Offices) بود. حکومت‌های منطقه به تحمیل «نظم» برایافت شهری «فائد نظم» (Nonorderly Urban Fabric) می‌ادرت کردن و راه حل‌هایی از نوع هوسمان (Shersaz فرانسوی قرن ۱۹ میلادی که در طرح تجدید ساختار شهر پاریس اقدام به کشیدن خیابان از مرکز شهر نمود) را برای تجدیدساختار «حارس» (Haras) و « محله‌ها (Mahalla)، که واحدهای همسایگی شناخته شده در مناطق عربی و ایران است، به کار بردند.

پس از جنگ جهانی دوم یکی از مؤثرترین ابزارهای سیاست‌گذاری دولت‌های مدرن درجهان اسلام، برنامه‌ریزی توسعه ملی بوده است. در همان ابتدا این دولت‌ها از طریق برنامه‌ریزی بخشی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیم پخته نقش مؤثری در هدایت و تغییر ماهیت توسعه شهری و منطقه‌ای (Urban-Regional Development) ایفا کردن. در اکثر موارد رویکرد برنامه‌ریزی موجب افزایش پیشرفت شهرهای عمدۀ جهان اسلام نظیر قاهره، تهران، استانبول و بغداد گردید. «ف. کاستلو» و «نوهاد تولان» در مطالعات خود نقش حکومت‌های ملی و تأثیر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه را در شهرهای تهران و مکه بررسی کرده‌اند.

نظمی (Military New Towns) هستند که دولت‌های منطقه خلیج فارس ایجاد کرده‌اند.

در بخش‌های گذشته به ماهیت دگرگونی‌های ریشه‌ای که موجب روپارویی شهرهای جهان اسلام با نهادهای نوگرایی شد اشاره کردیم. باید خاطرنشان کرد که گسیختگی‌ها و ناپیوستگی‌های ناشی از این روپارویی در تمامی جنبه‌های زندگی شهری (Facets of Urban Life) جهان اسلام قابل مشاهده است: شهرهای مرکزی (Central Cities) در مقابل سکونتگاه‌های مهاجرین واقع در حومه‌های شهری (Urban Periphery)؛ فعالیت‌های بخش رسمی در مقابل شهرستی (medina) - هسته ساختارهای حکومتی در مقابل فرسایش نهادهای جامعه مدنی.

گذشته پربار و میراث کهن شهرها در جوامع اسلامی موضوع قابل توجهی برای برنامه‌ریزان شهری است تا بتوانند انصاف میان مدنیه‌های قدیمی و بخش‌های مدرن شهرهای کنونی جهان اسلام را بررسی کنند. فرسایش تدریجی نهادهای اجتماعی که نگهدارنده شهرهای سنتی بوده‌اند و ضعیتی را ایجاد کرده که موجب تاپیدشدن مدنیه‌های کهن شده است. آشکار است که دخالت برنامه‌ریزان شهری برای حفظ و نگهداری از میراث متزورک و پیونددادن مدنیه اصلی با زندگی شهری معاصر در شهرهای مدرن موردنیاز است. برای انجام چنین فعالیت‌هایی، درابتدا، شناخت پویایی شهر سنتی ضروری است: آنچه راکه موجب سرزندگی مدنیه می‌شود چگونه باید حفظ کرد و کدام‌پیک از نیروهای اجتماعی باید این وظیفه را به عهده بگیرند.

شهر اسلامی، جامعه مدنی و پیوند با قلب مدنیه
مطالعه شئونات شهرستی در جوامع اسلامی موجب مباحث پرحرارتی طی دو دهه گذشته شده است. «ابولقدود» مبانی شرق شناختی مباحث اولیه و پژوهش‌های انجام شده درباره این موضوع را نشان داده است. «ابولقدود» برای شناخت اسلامیت شهرهای سنتی (Islamicness of The Traditional Cities)، برروی «فضاهای اجتماعی» واحد‌های همسایگی و جدایی گزینی جنسیتی تأکید نموده است. وی همچنین به تأثیر دستگاه متمرکز سنت حقوقی اسلام، به عنوان یکی دیگر از متابع وحدت نفوذ آموزه‌های اسلامی، برایجاد محیط زندگی شهری توجه نموده است. به نظر «ابولقدود» تأثیر آموزه‌های اسلامی که به شکل‌گیری شهرهای گذشته منجر شده است چنانچه به عنوان خطوط راهنمای برنامه‌ریزی در زندگی شهری معاصر استفاده شود نوعی سیر قهقهه‌ای خواهد بود.

گسیختگی‌ها و ناپیوستگی‌های ناشی از این روپارویی در تمامی جنبه‌های زندگی شهری جهان اسلام قابل مشاهده است: شهرهای مرکزی در مقابل سکونتگاه‌های مهاجرین واقع در حومه‌های شهری؛ فعالیت‌های بخش رسمی در مقابل فعالیت‌های بخش غیررسمی؛ «مدنیه» (medina) - هسته شهرستی) در مقابل شهرهای مدرن؛ و سرانجام تثبیت و تحکیم ساختارهای حکومتی در مقابل فرسایش نهادهای جامعه مدنی.

«تلان»، ضمن توجه به مخصوصه دینی مکه و ستاوردهای زیارت «حج» (Hajj) و «عمره» (Umra) برای توسعه شهری مکه، به مطالعه تحولات ملی در اقتصاد شهر (Economy of City) و پیوندهای آن با توسعه مکه پرداخته است. «کاستلو» نیز در مطالعه توسعه شهری تهران دوران پهلوی به بررسی کارکردهای فرهنگی، بازرگانی، اقتصادی، سیاسی برنامه‌های توسعه ملی حکومت ایران پرداخته است. مطالعه توسعه شهری در سوریه که «ریادج‌ماهیانس» انجام داده نکات جالبی دربردارد. به گفته «ماهیانس» برنامه توسعه ملی سوریه به طرز موقوفیت‌آمیزی موجب کاهش میزان‌های پایه و تمرکزدایی شده است. ماهیانس دستاوردهای برنامه توسعه ملی سوریه را در ارتباط با خاستگاه‌های منطقه‌ای و تعهدات سیاسی رهبری جامعه و همچنین مناسبات میان شهر و کشور در طی یک دوره تاریخی را نشان داده است.

تأثیر آخرین نهاد مدرن یعنی نظامی‌گری نیز قابل بررسی است. تأثیر نظامی‌گری را می‌توان برالگوهای سکونت، اقتصادهای شهری و منطقه‌ای (Urban-Regional Economies)، ساختار شغلی، الگوهای فضایی شهری (Urban Spatial Patterns) درجهان اسلام مورد مطالعه و بررسی قرار داد. به جز چند مورد استثناء، تمامی حکومت‌های منطقه جهان اسلام بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه را به هزینه‌های تجهیز نظامی و نظامی‌گری اختصاص داده‌اند. کافی است تنها به نقش و تأثیر تداوم هزینه‌های نظامی‌گری در توسعه شهرها و مناطق جهان اسلام اشاره کرد. به عنوان نمونه بندرعباس و دزفول در ایران از هزینه‌های اختصاص یافته به نظامی‌گری بهره‌مند شده‌اند؛ همچنین شهرهای طایف و خرفالبین در عربستان سعودی جزو یک دوچین شهرهای جدید

در شهرهای غربی - نظری «بنفیسیا» (Beneficia) یا «بخشنش» - نیست (اسپرینگ بورگ، ۱۹۸۷).

البته اداره امور شهرهای اسلامی به این صورت مشکلاتی نیز در بی داشت. اولاً، نیروهای اجتماعی که محیط شهری را شکل می‌دادند طی دوران معاصر دچار دگرگونی هایی شدند: مثلاً نهاد دینی وقف، که به شدت نامتراکر و محلی بود، از یک طرف دستخوش نزول شد و از طرف دیگر به صورت یکی از وزارت‌خانه‌های دولتی درآمد. «نونه» و «تروین» مشکلات شاهجهان آباد دهلي و مدینه‌های شمال آفریقا را در همین زمینه مورد بررسی قرار داده‌اند. «نونه» فشارهای سنتگینی که ناشی از کاربری تجاری است را در هسته قدیمی شهر نشان داده است. او تأثیرات زیباتزار ایجاد خط راه‌آهن و راه‌های سواره در اطراف شهر را خاطرنشان ساخته است. «زان فرانسو تروین» نیز استفاده از بخش‌هایی از شهرهای قدیمی شمال آفریقا را برای مکان‌های تولیدی بررسی کرده است. هر دوی این نویسنده‌گان مسائل ناشی از نبود منابع مالی و عدم مخالفت اجتماعی با ارائه برنامه‌های توسعه‌یابی بدون درنظر گرفتن مشارکت اجتماعی مردم را گوشزد کرده‌اند. بحث «نونه» این است که تلاش‌های محافظه‌کارانه بسیار فراتر از تلاش‌هایی است که محدود به حفاظت از بنای‌های تاریخی می‌شود؛ این تلاش‌ها هنوز هم مانع از داشتن نگرش برنامه‌ریزی مدرن است و از این رو نیازمند وجود چشم‌انداز برنامه‌ریزی مستمر، جامع و مشارکتی است. آیا ارائه چنین راهبردها و پیشنهاداتی، آن هم در چارچوب زندگی شهری معاصر و در بطن برنامه‌ریزی شهرهای جهان اسلام واقعی و قابل تحقق است؟ در بخش بعدی نوشتار جنبه‌های گوناگون و متفاوت این پرسش را بسط می‌دهیم.

سمت و سوی آینده برنامه‌ریزی شهری در جهان اسلام

آنچه که امروزه پایه برنامه‌ریزی شهری در کشورهای اسلامی را تشکیل می‌دهد فعالیت‌های گسترده‌ای است که مشکل بتوان تمامی آنها را وارسی کرد. نقطه برگسته این برنامه‌ریزی‌ها طرح‌های جامع است که شامل منطقه‌بندی و معیارهای توسعه زیرساختارهای شهری است. همان‌گونه که «الشخص» و «امیراحمدی» نشان داده‌اند رشد سریع جمیعت چنین ایزارهای سیاست‌گذاری را ناکارآمد کرده است. شهرهای جهان اسلام به شیوه بسیار نامتراکن شده است. شهرها اینک با مشکلاتی نظیر رشد فزاینده جمعیت، میزان پایین استغال، گسیختگی کالبدی - کارکردی محیط‌بیست شهری، کمبود مسکن و مسائل زیست محیطی روپرورند به طوری که برنامه‌ریزان شهری ناتوان از صورت‌بندی و تدوین رویکردی جامع از این مسائل هستند.

شناخت بیوانی فضاهای اجتماعی تنها محوری نیست که در مباحث مربوط به شهر اسلامی به آن پرداخته شده است. برخی از صاحب‌نظران هستند که به «فضاهای کالبدی» و «ذهنی»، تظاهرات نمادین، تولید معا و نهادها و فرایندهای ساختاری تاکید کرده‌اند؛ صاحب‌نظران دیگر نیز تأثیرات آموزه‌های اسلامی را بر سطوح فضاهای شهری بررسی کرده‌اند (اردلان و بتخار، ۱۹۷۳؛ سقاف، ۱۹۸۷). «ساموئل وی. نونه» به تأثیر اصول اسلامی - آلمان هشت دروازه - بر طراحی ساختمان‌هایی مانند شاهجهان آباد دهلي توجه نموده است. سایر دانش‌پژوهان اعتقاد دارند که شناخت شهرهای سنتی جهان اسلام از طریق بررسی عقاید حقوقی دستگاه گذشته قضاوت و «قضایی» (Gadi) فراهم شده است (حکیم، ۱۹۸۴؛ هانا، ۱۹۸۴). به نظر می‌رسد در صورت نبود شناخت منسجم و جامع از فضا و جنبه‌های کالبدی، ذهنی و اجتماعی آن (که هانری لوفور شهرشناس برجسته ابراز نموده است) ارتباط میان معماران، برنامه‌ریزان، جغرافی‌دانان و جامعه‌شناسان با مشکل مواجه خواهد شد. در صورت وجود چنین شناختی مشخص خواهد شد که شهرها فقط ساختارهای اجتماعی ندارند؛ صرفاً شامل ساختارهای کالبدی قضایی نمی‌شوند؛ و نمی‌توان گفت شهرها تنها حاکی از جلوه‌های نمادین هستند و فقط دارای شبکه‌های معنایی می‌باشند. مشکل به نظر می‌رسد بتوان پیوند میان این قلمروها را تثبیت کرد.

بحث در این باره مطمئناً ادامه خواهد داشت، خصوصاً با توجه به افزایش جنبش‌های احیاگری اسلامی چنین روندی تداوم خواهد یافت. در این زمینه می‌توان بر مفهوم «فضا» و رابطه آن با واقعیت‌های نمادین و اجتماعی تأکید کرد.

هم‌چنین به طور موازی بحث دیگری در باره ماهیت جامعه مدنی در شهرهای اسلامی شروع شده است (اسپرینگ بورگ، ۱۹۸۴؛ ترنر، ۱۹۸۴). «ماکس ویر» جامعه‌شناس (۱۹۵۸) اظهار کرد شهرهای اسلامی برخلاف شهرهای غربی ناتوان از تحکیم ساختارهای جامعه مدنی، به ویژه در سطح اداره امور شهرها (Municipal Level)، هستند. هر چند ما در پی تداوم چنین بحث نیستیم، اما آنچه که برای ما در این نوشتار مهم است بحث درباره نقش حیاتی نیروهایی است که حافظ شهرهای سنتی در جهان اسلام هستند.

مدیریت شهرهای سنتی جهان اسلام به شیوه بسیار نامتراکن بوده است به طوری که حکومت‌ها نقش ناچیزی در اداره امور شهر (Affairs of the City) داشتند. برای تکمیل این نقش، ابتکارات محلی بی‌شماری در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، دینی برای رفع نیازهای بومیان محلی یاری می‌آمد. چنین خدماتی معمولاً از طریق نهاد دینی «وقف» (Waqf) - سیستم هبه دینی) انجام می‌شد که بسیار گسترده و پایدار بود و قابل مقایسه با نهادهای مشابه

شنوه غالب مباحث در بسیاری از کشورهای اسلامی از سوی اقتصاددانان و معماران این کشورها است که راه حل‌های برنامه‌ریزی بخشی و کالبدی ارائه داده‌اند. در پرتو چنین محدودیت‌هایی سابقه خواشیدنی در زمینه مطالعه جامعیت رویکردی است که در برنامه توسعه شهر مکه اتخاذ شده است. «تلان»، که خود یکی از افراد برگسته مؤثر در طرح توسعه مکه (۱۹۵۸) است، خلاصه مفیدی از مقاد این طرح را ارائه داده است.

«تلان» مشخصه برجسته شعائر دینی حج در برنامه‌ریزی توسعه مکه و نیاز آن به طرح توسعه منطقه‌ای را توصیف کرده است. از جمله مسائلی که در طرح توسعه مکه مدنظر قرار گرفته است رفع نیازهای زائران سالیانه مکه، توسعه زیرساخت‌های شهری، حفاظت و نگهداری از میراث تاریخی شهر و اولویت‌های بوم‌سناختی و توسعه ملی است.

سراج‌جام‌این که «الشخص» و «امیراحمدی» رویه‌های برنامه‌ریزی و نهادهای شهری در جهان اسلام را در رویارویی با پویایی‌های رشد جمیعت معاصراین شهرهایان داده‌اند. آنان نقش غالب حکومت‌های ملی و تأثیر آن بر محدود نمودن گستره برنامه‌ریزی منطقه‌ای و مادرشهر (Metropolitan-Regional Planning) را وارسی نموده‌اند. آین دو نویسنده مشکلات مفهومی و عملی دخیل در حل تنش میان مشارکت‌های عمومی و الزامات کارآئی را مطرح کرده‌اند. آنان هم‌چنین طرح‌های مفهومی، ناتوانی قانونمند کردن و اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها، رعایت عدالت و انصاف به عنوان اهداف اصلی برنامه‌های توسعه و جهت‌گیری حکومت‌ها به طرف تأمین منافع طبقات اجتماعی معین رامورد بررسی قرار داده‌اند.

منابع

- Abu-Lughod, J. 1971. Cairo: 1001 years of the city victorious. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Ardalan, N. and Bakhtiar, L. 1973. The sense of unity. Chicago: University of Chicago Press.
- Bonine, M. E. 1976. Urban studies in the middle east. Middle East Studies Association Bulletin, 10, no.3, 19-20.
- Costello, V.F. 1977. Urbanization in the Middle East. Cambridge: Cambridge University Press.
- Giddens, A. 1990. The consequences of modernity. Stanford: Stanford University Press.
- Hakim, B. S. 1986. Arabic-Islamic cities: building and planning principles. London: KPI.
- Hanna, N. 1984. Construction work in Ottoman Cairo 1517-1798. Supplement aux annales Islamologiques, cahier no.4.

با توجه به مطالعات «الشخص» و «امیراحمدی» و بررسی‌های انجام شده توسط نویسندهان دیگر بعید نیست اگر بگوییم برنامه‌ریزی درجهان اسلام از تحمیل «نظم» ناتوان است: هرگز تلاش نشده است تا مشارکت عمومی مردم تشویق شود؛ و رویکرد سنت سیزی در شکل‌گیری محیط زندگی شهری وجود دارد. آین معضل اخیر (رویکرد سنت سیزی در برنامه‌ریزی شهری) به ویژه در پرتو جنبش‌های احیاگری اسلامی اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

خاستگاه جنبش‌های اسلامی در بخش سنتی جامعه اسلامی قراردارد و رگه‌های آن در میان طبقات پایین شهری (Urban Lower Classes) و مهاجران شهری قوی تر است. تأکید این جنبش‌ها بر مناسیبات مشترک و شبکه‌های غیررسمی اشتغال، بهره و آموخت است و از جمله چالش‌های غالبی است که در میان برنامه‌ریزان کشورهای اسلامی دیده می‌شود. اگر از نظر تاریخی برنامه‌ریزان غافل از به کارگیری سنت‌های محلی و حل